



## حضور فرشتگان در شعر حافظ و امام خمینی با رویکرد بینامتنیت قرآنی

سید حسین موسوی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات پارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

شمس الحاحیه اردلان<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات پارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

سید جعفر حمیدی

استاد زبان و ادبیات پارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۱

### چکیده:

فرشتگان موجوداتی نامحسوس هستند که خداوند آنان را خلق کرده تا در راسته فرامین وی انجام وظیفه نمایند. سویی دیگر بینامتنیت قرار دارد که روش همگرایی متون با توجه به اثرپذیری از متون قبل و تأثیرگذاری بر متون بعد است. پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با هدف بررسی حضور فرشتگان در شعر حافظ شیرازی و امام خمینی با تکیه بر بینامتنیت قرآنی تدوین گردیده است. حافظ و امام خمینی هر دو دارای گرایش‌هایی عرفانی بوده و با عنایت به اینکه ایشان آشنایی کامل به کلام حق داشته‌اند، بنابراین مضمون غالب اشعار این دو بر مبنای عرفان است. فرشتگان به عنوان مجریان اوامر خداوند که بیشتر از هویت تکوینی برخوردار هستند به خوبی مورد توجه حافظ و امام خمینی قرار گرفته‌اند. ایشان به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های فرشتگان اشاره کرده‌اند؛ هم جوانب رحمت، هم جوانب غضب و هم بینابین که بسته به واکنش به رفتار انسان، مورد توجه بوده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، فرشته، بینامتنیت، حافظ، امام خمینی

۱ . amirmahda@gmail.com.

۲ . ardalani\_sh@yahoo.com.

## ۱- مقدمه

فرشتگان جنود و موکلین حضرت حق هستند که مجری فرامین الهی و عهده‌دار نظم و انضباط در دو عالم به امر پروردگاریند. آنان بیشتر از ولایت تکوینی برخوردارند و در امور محوله پیوسته در تلاش و فعالیت هستند. هیچ‌گاه خسته نمی‌شوند و هیچ چیزی را غیر از امر خدا بر نمی‌تابند.

هر فرشته بر اساس وظیفه‌ای که برای او تعریف و محول شده کار خود را به خوبی انجام می‌دهد و در این راه نیز قصور و تقصیری نخواهند داشت. «گروهی از فرشتگان همواره در سجده‌اند... و گروهی در رکوعند... و گروهی همواره تسبیح‌گویند و خسته نمی‌شوند... بدن‌های آنان دچار سستی نشده و آنان دچار بی‌خبری برخاسته از فراموشی نمی‌شوند. برخی از فرشتگان امینان و وحی الهی و زبان‌گویای وحی برای پیامبران می‌باشند که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند. جمعی از فرشتگان حافظان بندگان و جمعی دیگر در بانان بهشت خداوندند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱).

آن‌ها هر کدام مراتبی دارند و در درجه‌بندی نیز از هم‌دیگر متمایز هستند. چهار فرشته جبرئیل (فرشته همراه وحی)، میکائیل (فرشته روزی‌ها و خوراک‌ها)، اسرافیل (فرشته صاحب‌صور) و عزرائیل (فرشته مرگ) از اکابر فرشتگان هستند (ر.ک: فیض کاشانی: ۳۸۸، ۳۸۹ و ۳۹۰).

از جانبی دیگر، امروزه در حوزه زبان‌شناسی روابط بین متن‌ها از موضوعات حائز اهمیت و مهم در عصر معاصر بوده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این موضوع باعث شده که اندیشه‌ای نو در این راستا طرح شود و روز به روز اندیشه خلق شده اولیه توسط صاحب‌نظران دیگر کامل‌تر شود.

در این میان یکی از مباحثی که در قرن بیستم تولد و نضج گرفت، نظریه بینامتنیت است که از سوی بانویی به نام «ژولیا کریستوا»، روان‌کاو، رمان‌نویس و فیلسوف اهل بلغارستان، ساکن فرانسه مطرح و خیلی زود جهان‌شمول گردید.

کریستوا این نظریه را بر اساس پیش‌نظریه فرمالیست‌های روسی مطرح و به جهان علمی ارائه نمود. «گذشته از میخائیل باختین به عنوان شاخص‌ترین چهره پیش‌بینامتنیت می‌توان از فرمالیست‌های روسی، مکتب پراگ، مکتب کپنهاک و بسیاری از گرایش‌ها و جریان‌های نظری به ویژه در حوزه مطالعات ادبی و هنری به عنوان ریشه‌ها و پیش‌متن‌های بینامتنیت یاد کرد» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۳).

بعدها اندیشمندانی دیگر همچون «ژرار ژنت»، نظریه‌پرداز ادبی و نشانه‌شناس فرانسوی این نظریه را پر و بال دادند و با گستردگی بیشتر و وسیع‌تر به عرصه علمی جهان عرضه داشتند.

این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، با هدف تبیین نقش و اهمیت جایگاه فرشتگان در شعر پارسی و به طور اخص شعر حافظ شیرازی و امام خمینی تدوین گردیده است و در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱- نقش و جایگاه فرشتگان در انجام فرامین الهی؛ ۲- شیوه و عملکرد فرشتگان در عالم هستی؛ ۳- بهره‌مندی شعری حافظ شیرازی و امام خمینی و رابطه بینامتنی با قرآن کریم.

### ۱-۱. بیان مسئله

دنیای امروز و علوم مرسوم و موجود در جهان، از چنان گستردگی در مباحث و موضوعات برخوردار است که هر اندیشمندی را بر آن می‌دارد تا ذره‌ای از آن همه دانش موجود بهره برده و در کاربست علمی، یا برای خود، یا برای دیگران به کار بندد. این موضوع و بهره‌مندی همه از علوم موجود در مکان‌ها و زبان‌های متفاوت، نیاز به آن دارد تا این علوم در قالب‌های شیک و مرتب با پیوند به مباحث جهان‌شمول مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین پای گذاشتن اندیشه‌ها و یافته‌ها به بیرون از محل شکل‌گیری و جهانی شدن آن‌ها نیاز به آن دارد که این موضوعات با رنگ و روی هدفمند و در قالب پذیرفته شده در مجموع ملل و سنن ارائه و مطرح گردد.

با طرح این موضوع، لازم است مباحث منطقه‌ای با معیارهای فرامنطقه‌ای تطبیق و هم‌گرایی داده شود تا این مباحث پا به عرصه بین‌المللی گذاشته و این اندیشه‌ها که معرف فرهنگ و خرد هر جامعه است به عرصه جهانی معرفی گردند.

خوشبختانه در راهرو زمان و البته نیاز جوامع بشری، کارآگاهانی ظهور کردند و برای یکنواختی و شناخت سریع علوم، راه‌هایی را ایجاد نمودند که این علوم با نام و نشان مشخص و جهانی در دسترس جویندگان و طالبان در دسته‌بندی‌های زیبا و جامع، قرار گیرد.

در این مجال نیز یکی از مضامین شعر حافظ و امام خمینی به نام فرشته، با رویکرد نظریه جهان‌شمول بینامتنیت که پذیرفته شده در نزد صاحبان خرد و اندیشه فرامنطقه‌ای است مورد توجه و واکاوی قرار گرفته است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با فرشتگان و آثار و اثرات آن در عالم خلقت مقاله‌ها و کتبی به رشته تحریر درآمده است. همچنین در خصوص این موجودات و اثرات و کارکردهای آنان در بنیان‌های خلقت، در قرآن و تفاسیر مباحثی به میان آمده است. با این وجود برای نمونه به چند منبع که به مبحث فرشتگان پرداخته‌اند اشاره می‌شود:

- ماحوزی و همکاران (۱۳۹۷) مقاله‌ای را با عنوان «نقد انگاره بی‌بهرگی فرشته از عشق در شعر حافظ» قلم زده‌اند که ایشان به استناد نظر غالب حافظ پژوهان معتقدند که عشق همان بار امانت الهی است و خاص انسان است و فرشتگان را از این مقوله بی بهره دانسته‌اند.

- خزعلی (۱۳۸۷) مقاله‌ای با عنوان «بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی» نگاشته‌اند. وی در این نوشتار به بررسی نگرش اسلام و دیگر ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت، زردشت و صابئین) درباره ماهیت فرشتگان پرداخته است. همچنین ایشان اشتراکات و تمایزات ادیان الهی درباره جایگاه فرشتگان و توصیف آن‌ها را بررسی کرده است.

- فیض کاشانی (۱۳۸۵) کتابی را در دو مجلد به نام علم‌الیقین رقم زده‌اند که در مجلد اول در سه مقصد به ترتیب: مقصد اول در خصوص شناخت خدای متعال، مقصد دوم: شناخت فرشتگان و مقصد سوم: شناخت کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی قلم فرسایى نموده و در این کتاب همانسان که قید گردید در مقصد دوم به طور تقریباً جامع به موضوع فرشتگان پرداخته‌اند.

در هر حال وجه افتراق پژوهش پیش رو با نوشتارهای نام برده شده، توجه نگارنده به نقش و جایگاه فرشتگان در شعر دو شاعر (حافظ شیرازی و امام خمینی) و رابطه بینامتنی با قرآن است که کمتر در این موضوع به آن پرداخته شده است.

## ۲. بحث

با توجه به اینکه متون در هر زمینه، پیوستگی و هم‌کناری با هم دارند و بنیان و اساس آن‌ها بر یک چارچوب قرار دارد، لذا با عنایت به اینکه رویکرد این پژوهش بر مبنای بینامتنیت است، پس در خصوص این نظریه نیز پیش-نوشتی الزام به نظر می‌رسد.

### ۱-۲- بینامتنیت

یکی از نظریه‌هایی که در قرن بیستم مطرح شد و توجه اندیشمندان را به خود معطوف داشت، نظریه بینامتنیت است. این نظریه که طراح آن خانمی روانکاو، رمان نویس، فیلسوف از دیار بلغارستان و ساکن در فرانسه و البته بر اساس پیش نظریه‌های اندیشمندان روسی همچون باختین شکل گرفت، خیلی زود جای خود را در عرصه بین‌الملل باز کرد و مطرح شد. این بانوی صاحب‌نظر به نام کریستوا موفق شد با همراهی کسانی که ارزش نظریه‌ها را می‌دانستند، اندیشه خود را جهان‌شمول و برجسته نماید.

راز موفقیت خانم کریستوا در جهان‌شمولی نمودن این نظریه، همراهی افرادی بود که ارزش نظریه‌ها را می‌دانستند و به آن بها می‌دادند. «افرادى همچون رولان بارت و فیلیپ سولر در معرفی و پیشبرد بینامتنیت تأثیری بسزا داشتند. کریستوا در جمعی قرار گرفت که اعضای آن ارزش نظریه‌ها را می‌دانستند. اعضای این حلقه که به «تل‌کل» معروف بود، هم در شکل‌گیری بینامتنیت با کریستوا همکاری کردند و هم در ایجاد و گسترش جریان‌ها و گرایش‌های نو در بینامتنیت نقش و جایگاه قابل توجهی داشتند. در این میان رولان بارت دارای جایگاهی برجسته است.» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۳).

این نظریه که خیلی سریع در اروپا مطرح شده بود، جای پای خود را در دیگر نقاط جهان باز نمود و باعث شد تا افرادی دیگر در پر و بال دادن به این اندیشه گام بردارند و این نظریه را گسترده‌تر نمایند. یکی از این اندیشمندان که به این موضوع به صورت جدی پرداخت و این نظریه را در پنج بخش و با نام ترامنتیت مطرح کرد، ژرار ژنت، نشانه شناس و نویسنده شهیر فرانسوی است. وی یکی از بخش‌های ترامنتیت را بینامتنیت نام نهاد و آن را در سه بخش تقسیم کرد:

الف) بینامتنیت صریح و آشکار؛

ب) بینامتنیت غیر صریح و پنهان؛

ج) بینامتنیت ضمنی.

به هر حال نظریه بینامتنیت با نام کریستوا عجین است و البته این که اصطلاح بینامتنیت هم نخستین بار توسط خانم کریستوا مطرح شد. بنا به نظر آلن «اصطلاح بینامتنیت نخست بار در زبان فرانسه و در آثار اولیه ژولیا کریستوا از اواسط تا اواخر دهه شصت [میلادی] مطرح شد» (آلن، ۱۳۹۷: ۳۰). این نظریه به رابطه متون می‌پردازد و ردپای متون، در هم‌دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اصل «بینامتنیت روشی است برای تفسیر متون بر مبنای تأثیر متون بر یکدیگر» (جمشیدیان، ۱۳۹۳: ۲۸).

## ۲-۲- بینامتنیت در ایران

با اینکه این نظریه در دهه شصت میلادی توسط کریستوا طرح و جهانی شد، لیکن در ایران اندکی دیرتر از حد معمول راه یافت. اولین کتابی که در این خصوص در ایران به چاپ رسید، کتاب بینامتنیت به قلم «گراهام آلن» بود که در سال ۱۳۸۰ خورشیدی توسط پیام یزدانجو ترجمه و راهی بازار شد تا منبع پژوهشگران این حوزه شود. بعدها همایش‌ها و مقالاتی با این رویکرد و نام و نشان شکل گرفت و نیز دو کتاب درآمدی بر بینامتنیت (۱۳۹۰) و بینامتنیت (۱۳۹۵) توسط بهمن نامور مطلق، به چاپ رسید و در دسترس پژوهندگان قرار گرفت.

## ۲-۳- فرشتگان

در عالم خلقت و گستره بی‌انتهای آن، خداوند با هدف و نظر خاص، موجوداتی را از روی حکمت خلق کرده است که این موجودات هر کدام رسالت و مأموریت خاص خود از جانب ربّ جلیل را ایفاء می‌کنند. یکی از این موجودات، فرشتگان هستند. «فرشتگان در اصطلاح به موجوداتی غیر مادی و ملکوتی اطلاق می‌شود که در اجرای اوامر الهی در هر دو عالم فعالیت می‌کنند» (خزعلی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

در این بین هر انسان به اندازه فهم و درکی که حاصل نموده است، مراتبی از هستی‌شناسی در اختیار دارد. شاید بتوان ادعا نمود که حتی تمام اشرف مخلوقات، نیز از همه رسالت و خلق خود به یکسان آگاه نیستند و هر کدام مراتبی دارند که به قدر وسع می‌توانند برداشت معنایی از خود و پیرامون داشته باشند.

برای نمونه، هنگام قصد بر خلقت آدم، همین فرشتگان بودند که بر اساس نص صریح قرآن (۳۰- بقره) از سر بحث با خداوند برآمدند و مخالفت خود را با خلقت نمایان کردند، هر چند که بعد از آن با فرایندهایی که از جانب پروردگار شکل گرفت و به انسان آموزش داده شد فرشتگان پا پس نهادند و سر تعظیم در مقابل اراده حق گذاشتند.<sup>۲</sup>

با این حال، خداوند در پاسخ فرشتگان فرمودند که «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم؟ و نیز می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید»<sup>۳</sup> و در مقابل زمین، پروردگار، سومین رسول خود را که ملک الموت بود مأمور کرد که چنانچه زمین سربرتافت از دادن خاک، به قهر بگیرد و بیاورد.

«حق تعالی عزرائیل را خطاب کرد: تو برو، اگر به طوع و رغبت نیاید به اکراه و اجبار برگیر و بیار. عزرائیل بیامد و و به قهر یک قبضه خاک از روی زمین برگرفت» (نجم رازی، ۱۳۷۵: ۶۶).

و اما این آدمیزاد که در روز الست، عشق را به ودیعه از جانب پروردگار برگرفت نیز آیا به کلیه رسالت و مأموریت خود آگاه است یا خیر؟ مگر نه همین انسان بود که در آن روز در جواب سؤال پروردگار که از وی پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ قالوا بلی گفت.

با این اوصاف و تفاسیر حال به بخشی از فلسفه خلقت و موجودیت فرشتگان به عنوان سپاه خداوندی در انجام اوامر ذات اقدس ربوبی پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۲- فرشتگان، جایگاه و رسالت آن‌ها

همان‌گونه که اشاره کردیم، فرشتگان به عنوان جنود الهی و انجام دهنده فرمان ربوبی در مرتبه و کمالات گوناگون قرار دارند که با استناد به آیات قرآن به تقسیم بندی برخی از انواع آن‌ها به قدر درک پرداخته می‌شود:

- به استناد قرآن کریم، اولین بار خداوند موضوع خلقت آدم را با فرشتگان در میان گذاشت.<sup>۴</sup> ذات اقدس الهی آن‌هنگام که تصمیم بر خلق موجودی به نام انسان نمود تا به عنوان خلیفه‌ای بر روی زمین قرار دهد، فرشتگان مقرب و والا مرتبه خود را مأمور نمود تا از زمین خاک برگیرند و آن موجود منظور را بسامان نمایند.

«چون نوبت به خلقت آدم رسید [خداوند] گفت: خانه آب و گل آدم من می‌سازم. این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه که در او گنج معرفت تعبیه خواهد کرد» (نجم رازی، ۱۳۷۵: ۶۵).

در این میان به استناد آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره، این موضوع را با فرشتگان در میان گذاشت و آنان را از انجام این کار با خبر کرد. در ابتدا سنگ اندازی و مخالفت هایی از جانب فرشتگان و البته شیطان که از قبيلة جنیان بود و خود را به حد فرشتگان رسانده بود، صورت گرفت.

«... ملائکه از این قول خدای تعالی چنین فهمیده اند که این عمل باعث وقوع فساد و خونریزی می-شود، چون می دانسته اند که بشر چون مادّی است و قوای غضبی و شهوی دارد و زمین دارِ تراحم و محدودالجهات است، لاجرم زندگی اجتماعی باید در آن محقق شود و بقاء در زمین به وسیله نظامی اجتماعی صورت می گیرد و لازمه این تراحم و تنازع هم فساد و خونریزی است» (مصطفی شاکر، ۱۳۹۸، ج ۱: ۳۷).

به تصدیق آیه ۳۱ سوره مبارکه بقره، خداوند اسماء را به مخلوقِ آدم نام گرفته آموخت و از این باب این مخلوق را نسبت به مخالفان مسلح نمود و البته بر مبنای آیه ۳۲ سوره مبارکه بقره<sup>۱</sup> فرشتگان قانع شده و بر امر پروردگار سر تعظیم فرود آوردند. آنان نمی دانستند که خداوند چیزی می داند که آنان نمی دانند و از فهم آن هم عاجز هستند.

آیات ۳۰ سوره مبارکه بقره، ۲۸ سوره مبارکه حجر و ۷۱ سوره مبارکه «ص» مؤید این هستند که اولین بار خداوند موضوع خلقت آدم را با فرشتگان در میان گذاشته است.

در این میان نقش فرشتگان به عنوان انجام دهنده رسالت الهی بسیار کلیدی است و خداوند به وسیله آن ها امور مربوط به خلقت عوالم و از جمله همین آدم که مورد مخالفت اولیه آنان بود به فرجام می رساند. در این میان فرشتگان هر کدام در مرتبه و جایگاهی که برای آنان تعریف شده، دست به انجام امور می زنند و خواسته های خداوند را بدون کم و کاست انجام می دهند. در خصوص جنس و طریقه خلق فرشتگان اطلاعات ناچیزی در دست است و فقط جز خداوند که خالق آنان است بر هیچ کس معلوم نیست که چگونه و از چه چیزی آفریده شده اند و آنچه معلوم است این است که به استناد آیات قرآن نوعی فرایند در مراتب و مأموریت های آنان را می شود توصیف و بیان داشت.

- برخی از آن ها خاص هستند؛ رسالت آنان نیز بسیار عظیم تعریف شده است. این نوع فرشتگان بنا به مرتبه ای که دارند بسیار نامدارند. آنان در همه ادیان نام آشنا هستند؛ مانند: جبرائیل، اسرافیل، میکائیل و عزرائیل.

- خداوند نام فرشتگان را در برخی آیات همراه نام خود قید کرده است که این نشان از منزلت و مرتبه بالای فرشتگان است؛ برای نمونه: آیات ۱۶۱ سوره مبارکه بقره و ۸۷ سوره آل عمران که در لعنت کافران است، آیه ۱۲ انفال در خصوص سرکوب کافران و آیه ۱۷۷ بقره در توصیف نیکوکاران، ایمان به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران را بیان فرموده است.

- آنان تسبیح گوی خداوند هستند و سجده بر خداوند و انسان کردند (البته سجده بر آدم به امر خداوند بود). در تصدیق این بند می توان آیات: ۱۳ رعد، ۷۵ زمر و ۵ شوری در خصوص تسبیح خداوند و آیه ۴۹ سوره نحل در خصوص سجده بر خدا و آیات ۳۴ بقره، ۱۱ اعراف، ۳۰ حجر، ۶۱ اسراء، ۵۰ کهف، ۱۱۶ طه و ۷۳ ص در خصوص سجده بر آدم را به تصدیق گرفت.

- نمونه ای دیگر، گواه گرفتن فرشتگان توسط خداوند در یکتایی خود که این موضوع را در آیات ۱۸ آل عمران و ۱۶۶ نساء می توان ملاحظه کرد.

- خداوند هر جا که لازم دیده است، فرشتگان را برای یاری مؤمنین، مأمور و به زمین فرستاده است. برای نمونه آیات: ۱۲۴ و ۱۲۵ آل عمران.

- پروردگار به وسیله فرشتگان به مؤمنان بشارت و هشدار می دهد. بشارت: آیات ۱۰۳ انبیاء، ۳۰ فصلت و هشدار: آیه ۲۲ فرقان.

- آفریدگار، فرشتگان را به عنوان رسولانی به زمین می فرستد که نمونه آن آیه ۱ فاطر و اوج آن آیه ۴ سوره قدر است که نهایت رأفت، برکت و عظمت پروردگار را در شبی که به نام «قدر» مشهور است و ارزش آن از هزار ماه بیشتر است، نشان می دهد.

و مواردی دیگر از قبیل اینکه فرشتگانی هستند که حامل عرش هستند (۷- غافر)، نگهبان و کاتب

اعمال انسان هستند (۱۰، ۱۱ و ۱۲- انفطار) و برخی دیگر ...

بعضی خصوصیات دیگر فرشتگان نیز که قابل تأمل است عبارتند از: با همه امور و کارها و رویدادها

در جهان بالا و پائین، فرشته ای وجود دارد که آن را سر جای خود نگه می دارد. هر فرشته دارای نیروهای خاص است که با هر نیرویی کاری خاص انجام می دهد. هیچ کدام در کار دیگری دخالتی ندارد و هر کدام کار خود را انجام می دهد. همگی بر اطاعت خدا هستند. پیوسته (شب و روز) در تسبیح خدا هستند و هیچ وقت خسته نمی شوند.<sup>۷</sup>

## ۵-۲- فرشتگان در شعر حافظ و امام خمینی با رویکرد بینامتنیت قرآنی

شعر حاصل اندیشه ها و باورهای درونی هر شاعر است که بر مبنای درون مایه اعتقادی وی شکل می گیرد. هر شاعر به استناد درون مایه های پیش گفته، با ذوق و سلیقه خود موضوعاتی را دستمایه شعری قرار می دهد و به نظم در می آورد. در این میان حافظ شیرازی، شاعر متقدم و امام خمینی، شاعر مؤخر که اندیشه های شعری بسیار نزدیک به حافظ دارد، در کنار مضامین مشترک دیگر، موضوع فرشتگان که حاملان و موکلین خداوند در اجرای فرامین هستند در شعر خود به نظم درآورده اند.



در این مجال با عنایت به موضوع مقاله در این خصوص از یک زاویه دید که نظر به آیات قرآن و روابط بینامتنی و هم‌حضوری در بین شعر این دو شاعر است، به نقش فرشتگان توجه شده است. پیش از این در خصوص بینامتنیت که مبنای پژوهش است توضیح لازم ارائه گردید. از سوی دیگر در مبحث کلی بینامتنیت سه وجه بیان می‌گردد:

الف) متن حاضر؛

ب) متن پیشین یا غائب؛

ج) روابط بینامتنی.

متن حاضر همان متن حال است، متن پیشین یا غائب، متنی است که به آن اشاره مستقیم یا غیر-مستقیم می‌شود و روابط بینامتنی توصیف و تشریح هم‌حضوری و بینامتنیت دو متن قبل است.

در این پژوهش:

متن حاضر: دیوان‌های حافظ شیرازی و روح الله موسوی خمینی است که رابطه بینامتنی آن با قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد.

متن پیشین: قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمانان است که حافظ شیرازی و امام خمینی برخی از اشعار خود را با تاسی از آن سروده‌اند.

روابط بینامتنی: تعامل و هم‌حضوری دو متن حاضر و پیشین را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است.

### ۱-۵-۲- ابراهیم خلیل و حضور جبرئیل

متن حاضر:

۱. با عشق رخت خلیل را ناری نیست جوای تو با فرشته‌اش کاری نیست (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

متن پیشین:

• قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (انبیاء-۶۹)

- (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش».

روابط بینامتنی:

این بیت امام خمینی رابطه هم‌حضوری با داستان حضرت ابراهیم(ع) در مواجهه با مشرکان دارد. ابراهیم خدایان پوشالی آنان(مشرکان) را واژگون کرد، محاکمه شد و سرانجام تصمیم به انداختن وی در آتش

نمودند، لیکن آتش به امر خدا بر ایشان سرد شد. در این خصوص آیات زیادی در راستای موضوع وجود دارد، لیکن از آن جا که مبنای مقاله فرشتگان است، فقط بیت مربوطه به این موضوع مورد استناد قرار گرفته است. در این بیت امام خمینی رابطه غیر صریح و پنهانی موضوع مراد جبرائیل هنگام پرتاب شدن ایشان به سوی آتش دیده می‌شود. «گفته شده وقتی منجیق پرتاب شد، جبرئیل، ابراهیم(ع) را در هوا ملاقات کرد و گفت: ای ابراهیم! آیا خواسته‌ای نداری؟ ابراهیم(ع) گفت: ... خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد، پیامبر خدای متعال است و من او را پشت و پناه خود قرار می‌دهم و به او تکیه می‌کنم و کار خود را به او واگذار می‌کنم» (جزایری، ۱۳۹۶: ۱۹۹).

این اراده مستحکم و توکل آن حضرت، نشان از آن است که تکیه ابراهیم(ع) فقط به پروردگار یکتا است و حتی حاضر نیست برای نجات خود به فرشته مقرب خدا که جبرئیل نیز باشد، متوسل شود. وی از مقامی رفیع نزد خداوند برخوردار است و به همین دلیل لقب خلیل را به خود گرفته است. «یکی از مراتب ابراهیم، رسیدن او است به مقام خلت که در میان سلسله انبیاء و رسولان تنها او است که خلیل‌الله و خلیل‌الرحمن نامیده شده است» (قاضی زاهدی گلپایگانی، ۱۳۴۸: ۲۰۷).

## ۲-۵-۲- اعتراض فرشتگان به خلقت انسان

### متن حاضر:

۱. در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت: بگو، می‌گویم (حافظ، ۱۳۹۰: ۲۶۲)
۲. گر تو آدم زاده هستی، علم الاسما چه شد قاب قوسینت کجا رفته است، او آدنی چه شد (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۹۴)
۳. قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند قصه عَلمِ الاسما به زبان است هنوز (همان: ۱۲۷)
۴. زاده اسماء را با جنت المأوی چه کاری در چم فردوس می‌ماندم اگر شیطان نبودی (همان: ۱۸۰)

### متن پیشین:

- وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره- ۳۱).

- سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی این‌ها را به من خبر دهید».
- قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (بقره-۳۲).
- فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم؛ تو دانا و حکیمی».

### روابط بینامتنی:

علاوه بر آیات بالا، این ابیات رابطه بینامتنیت و هم‌حضور با آیه ۳۳ سوره بقره، آیات ۹ و ۱۵ سوره نجم و آیه ۱ سوره اسراء دارند.

روایت اعتراض فرشتگان و ابلیس در خصوص خلقت و توجه خداوند به انسان در اشعار حافظ شیرازی و بیشتر، امام خمینی با استناد بر قرآن کریم بیان شده است. بر اساس هر دو متن، خداوند اسرار و رموز آفرینش را به آدم آموزش داد تا با این کار راه اعتراض را بر فرشتگان مسدود و برتری آدم را محسوس نماید. سپس انسان، فرشتگان را به مبارزه بطلبد تا حکمت و حقیقت وجودی اراده خداوندی را در خلقت آدم بر فرشتگان آشکار نماید. خداوند پس از آموزش اسماء به انسان فرمود که: ای آدم! آنان را (منظور معترضان) را از اسامی اینان آگاه کن و آن‌گاه که انسان این کار کرد، به فرشتگان فرمود که: «آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و نیز می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید»:

■ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (بقره-۳۳).

بنا به گفته قرائتی: «ابلیس و ملائکه هرکدام به نوعی خود را برتر از آدم می‌دیدند. ابلیس به واسطه خلقت و فرشتگان به واسطه عبادت؛ اما ابلیس در برابر فرمان سجده خداوند ایستادگی کرد ولی فرشتگان چون حقیقت را فهمیدند، پوزش خواستند و به جهل خود اقرار کردند» (قرائتی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۹۳).

در بیت ۱ نیز حافظ اشاره به آموزش خداوندی برای خود که نماینده‌ای از کل بشریت است دارد و بر این گمان است که انسان در این خصوص بر اساس حکم تقدیری خداوند عمل می‌کند و بی‌گمان حکم خداوند که بر اساس حکمت و منفعت است، موجب تضرر بشر نخواهد شد.

در مصرع دوم بیت ۲ از امام خمینی، موضوع بینامتنیت غیرصریح در خصوص موضوع معراج پیامبر (ص) نیز دیده می‌شود که آیه اول سوره اسراء بارزترین توضیح را در این خصوص ارائه نموده است:

■ **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (إسراء-۱).**

- پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

همچنین در خصوص موضوع ملاقات پیامبر با حق تعالی صحبت به میان آمده که بر اساس روایات اسلامی، در مرحله ای جبرئیل که همراه پیامبر بود اجازه جلو رفتن را نیافت و پیامبر آن قدر به حضرت حق نزدیک شد که فاصله آن دو به حد فاصله دو کمان گردید. این موضوع با آیه ۹ سوره نجم رابطه بینامتنی دارد (فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود.

در بیت ۳، امام خمینی دوستی و اراده حق در آموزش اسماء خود برای فائق آمدن بر قدسیان را به رخ فرشتگان می کشد و از نگاه خود این موضوع را مورد فخر و مباهات آدمی می بیند.

در بیت ۴، امام خمینی از جنت المأوی سخن به میان آورده که اثر و موضوع هم حضوری و رابطه بینامتنی آن را می توان در آیه ۱۵ سوره نجم مشاهده کرد (عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى).

### ۳-۵-۲- سجده فرشتگان

متن حاضر:

۱. مَلَكٌ فِي سَجْدَةِ آدَمَ زَمِينَ بوسِ تَوْتَيْتِ كَرْد  
که در حَسَنِ تَوَلَّفِي دِيدِ، بيش از حد انسانی (حافظ، ۱۳۹۰:

(۳۳۶

۲. قَدَرْتُ دُوسْتِ نَگَرِ كَزِ نَگَهِی از سر لطف  
ساجد خاك در ميكده مسجد نمود (امام خمینی،

۱۳۹۳: ۱۱۴)

متن پیشین:

● **وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره- ۳۴).**

- (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید». همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

روابط بینامتنی:

موضوع سجده فرشتگان به آدم که پس از خلق و به دستور حق صورت گرفت، یکی از موضوعات

بس گسترده و دارای حاشیه است که البته در ابتدا با مقاومت فرشتگان و بعد پس از طی مراحل انجام و اجرا گردید. بر اساس آیات قرآن (۳۰- بقره، ۲۸- حجر، ۷۱- ص) خداوند از قبل به فرشتگان فرموده بود که قصد

خلق بشری دارد که پس از آن که خلق و روح ربوبی در آن دمیده شد، آنان الزام به سجده بر این مخلوق دارند (۲۹- حجر، ۷۲ ص).

در متن حاضر و بیت ۱، حافظ دلیل سجده فرشتگان بر آدم را حسن بالاتر از حد انسانی می‌بیند و لیکن امام خمینی در بیت ۲، دلیل سجده را قدرت دوست که همان محبوب ابدی و ازلی است برمی‌شمارد.

۴-۵-۲- فرشتگان مأمور (نگهبان و کاتب)

متن حاضر:

۱. تو پنداری که بدگو رفت و جان برد حسابش با کرام الکاتبین است (حافظ، ۱۳۹۰:

۳۹)

۲. دلا معاش کن چنان که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دستِ دعا نکه دارد

(همان: ۸۳)

۳. خونم بخور که هیچ ملک با چنان جمال از دل نیایدش که نویسد گناه تو

(همان: ۲۸۳)

متن پیشین:

• وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (انفطار - ۱۰).

- و بی‌شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده...

• كِرَامًا كَاتِبِينَ (انفطار - ۱۱).

- والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما).

• يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (انفطار - ۱۲).

- که می‌دانند شما چه می‌کنید.

• إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (طارق - ۴).

- (به این آیت بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد.

روابط بینامتنی:

خداوند بزرگ برای انسان فرشتگانی را به عنوان مأمور قرار داده تا در مواقع لزوم، هم از انسان‌ها مواظبت و هم آثار و اعمال آن‌ها را برای روز حساب یادداشت نمایند. علاوه بر آن، هر کس برای خود فرشتگانی خاص دارد که ناظر بر اعمال و رفتار آن شخص هستند. روابط متن حاضر و متن پیشین به این موضوع به خوبی اشاره کرده‌اند.

از جمله این فرشتگان، دو فرشته مأمور ثبت و ضبط اعمال هستند که بر اساس روایات یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ انسان قرار دارند. فرشته بر سمت راست قرار گرفته اعمال نیک و پسندیده را بر دفتر اعمال انسان ثبت و فرشته بر سمت چپ قرار گرفته، اعمال زشت و پلشت آدمی را ثبت می‌نمایند. این دو فرشته کاتب به «کرام الکاتبین» معروف هستند.

باز بر اساس روایت بیان شده، فرشته سمت راست بلافاصله اعمال نیک و پسندیده انسان را ثبت کرده و لیکن فرشته مأمور سمت چپ، اعمال زشت را با تأنی و چنانچه ندامت و توبه‌ای صورت نگیرد ثبت می‌نماید. این موضوع هم از نشانه‌های دریای رحمت حق است که نصیب این مخلوق خاکی گردیده است. بر اساس متن پیشین این دو فرشته، والامقام و بزرگواری هستند. منصوروری لاریجانی می‌نویسد که: «برای شما دو فرشته موکل است که نویسندگان کریم و بزرگواری هستند، یعنی هرچه کار خوب انجام می‌دهید، بلافاصله مبادرت به کتابت حسنات می‌کنند و هر کار بدی که از شما سر می‌زند با تأنی عمل می‌کنند، شاید شما توبه و استغفار کنید» (منصوروری لاریجانی، ۱۳۹۹، ج ۶: ۲۱۸).

بالاخره خداوند با روش‌ها و در شرایط خاص، هم انسان‌ها را با وسیله فرشتگان، حافظ است و هم اعمال و کردار آن‌ها را پایش می‌کند. این حاکی از آن است که این موجود خاکی انسان نام گرفته همواره مورد توجه خداوند است؛ گاه با نظر التفات و گاه به نظرهای دیگر. «فرشتگان متعدد، مسئول حفظ و حراست از انسان‌ها هستند... مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند ... در ثبت اعمال برخوردارند ... توجه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می‌شود» (قزائتی، ۱۳۹۷، ج ۱۰: ۴۰۸).

بیت ۱ از متن حاضر، سخن از فردی بدگو و بدخواه حافظ است که از این دنیا رخت بر بسته و حافظ حساب او را به کرام الکاتبین واگذار کرده است. در میان مردمان امروزی هم این موضوع گویی به صورت عبارتی در جواب بدکاران شده که چنانچه فعلی بر خلاف میل و رغبت از جانبی شکل گیرد، حساب او را به کرام الکاتبین می‌سپارند.

در بیت ۲ از متن حاضر، حافظ توصیه‌ای سعادت‌مندانانه احتمالاً به خود دارد که طوری باید زندگی کرد که اگر لغزشی صورت گیرد، مورد تغفد فرشتگان که مأموران حافظ از جانب خداوند هستند، قرار گیرد. در بیت ۳ از متن حاضر، حافظ نگاهی از روی لطف به معشوق دارد و زیبایی او را چنان می‌بیند که اگر خون او را هم بریزد و بکشد، فرشتگان محاسب از نوشتن گناه معشوق خودداری خواهند داشت.

۵-۲- هاروت بابلی؛ فرشته مغضوب

متن حاضر:

۱. گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی صدگونه جادویی بکنم تا بیارمت (حافظ، ۱۳۹۰: ۶۳)

#### متن پیشین:

• وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِبَصَّارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (بقره- ۱۰۲)

- (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و) کافر نشد ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند و) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر اینکه از پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن)» ولی آن‌ها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند ولی هیچ‌گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آن‌ها قسمت‌هایی را فرا می گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد و مسلماً می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند.

#### روابط بینامتنی:

متن حاضر با متن پیشین رابطه هم حضوری و بینامتنیت دارد. بر اساس متن حاضر و پیشین، سخن از سحر و جادویی است که موجب اختلال و جریان انحرافی برای مردم می گردیده است. «هاروت و ماروت در آیه ۱۰۲ سوره بقره دو فرشته‌اند که خود را از آلودگی به شهوات و علائق جهان مادی برحذر می پندارند، اما وقتی که پروردگار آن‌ها را به میان خلق عالم می فرستد، به هر فسادی دست می زنند و در چاهی در سرزمین بابل زندانی می شوند» (استعلامی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۰۶).

ظاهر موضوع گواه این است که این دو فرشته سحرگری را هم می دانسته‌اند و حافظ در شعر خود این دورا به عنوان نمادی، دستمایه قرار داده که برای رسیدن به محبوب خود، دست به هر کاری، حتی توسل به هاروت و ماروت برای سحر، خواهد زد تا به وصال محبوب برسد.

البته همان‌گونه که استعلامی هم نظر بر این دارد، از ذهنی فرهیخته همچون حافظ نمی‌تواند آموختن سحر یک امر جدی باشد و از نظر او طنز بیت در همین است (ر.ک، استعلامی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۰۶). حافظ در برخی غزل‌های دیگر نیز از فرشته استفاده کرده است و برخی خوی و خصلت‌های آنان را برشمرده است؛ برای نمونه:

۱. دانم که بگذرد ز سر جرم من که او گرچه پرپوش است و لیکن فرشته خوست (حافظ، ۱۳۹۰: ۴۲)

۲. خلوت دل نیست جای صحبت اضداد دیو چو بیرون رود فرشته درآید (همان: ۱۵۷)

۳. فرشته عشق نداند که چیست، ای ساقی بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز (همان: ۱۸۰)

۴. گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت زجره بر رخ حور و پری گلاب زده (حافظ، ۱۳۹۰: ۲۹۲)

در بیت ۱، حافظ فرشته را موجودی نیکوصفت، باگذشت و الهی مسلک قلمداد نموده است. در بیت ۲، حافظ فرشته را مقابل دیو قرار داده که حیوانی پلشت و نامیمون است. در بیت ۳، حافظ فرشته را متفاوت توصیف کرده و او را محروم از عشق، که یکی از ودیعه‌های بزرگ الهی است، دانسته؛ عشقی که در روز ازل به انسان داده شد و در اینجا مقام فرشته را نازل‌تر از انسان برشمرده است. عشق مسأله‌ای بس گرانبهاست که دستمایه شعری بسیاری از شاعران قرار گرفته است و آنان عشق را با وجوه متفاوت و لیکن در ماهیت کلی، وجه مثبت در شعر خود بیان داشته‌اند. یکی از این وجوه، وجه عرفانی آن است.

«... لفظ عشق در سده پنجم به وسیله سنائی به زبان شعر عرفانی وارد شد. شاید دلیل ورود این واژه به متون عرفانی، بهره‌گیری برخی صوفیان از روایات مجعول در محمدرت عشق، کاربرد عشق در آثار غزالی، باور برخی از فلاسفه به عشق از جمله فارابی که آن را صفت خدا می‌دانست، باشد» (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۰۰). وجه دیگر عشق، وجه زمینی آن است که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، زمینه عشق الهی است، البته این که اگر در چارچوبی زلال شکل گیرد.

«عشق‌های خاکی نیز اگر از شائبه خودخواهی و فریب و نیرنگ دور باشد همان عشق افلاکی است و خداست که در نقاب عاشق و معشوق خاکی با خود عشق می‌ورزد» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۳۳).



در بیت ۴، نیز حافظ خوی رحمت و مهربانی را برای فرشته در نظر گرفته که این اوصاف از صفت‌های خداوندی است.

### ۳- نتیجه‌گیری

- فرشتگان موجوداتی غیر مادی، شریف و مقدس هستند که انجام دهنده فرامین الهی‌اند. آنان واسطه بین خداوند و دیگر مخلوقات هستند و فقط به امر خداوند امور مربوط به عالم خلقت را به فرجام می‌رسانند. پیام رسانی، حمایت و یاریگری، غضب و هلاک، امور عذاب و ثواب و هرچه که در تکمیل و رشد جهان خلقت شکل می‌گیرد را به عهده دارند. دامنه فعالیت و انجام امور آنان آنقدر گسترده است که هیچ اتفاقی در عالم خلقت رخ نمی‌دهد مگر اینکه آنان در فرایند انجام آن نقش دارند؛ البته همه در راستای فرامین و قوانین حاکم بر عالم خلقت که به امر و حکم پروردگار است.

- حافظ و امام خمینی به قرآن آشنایی کافی دارند و این کلام الهی مشحون از رموز و مضامینی است که می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد. بنابراین ایشان، در شعر خود به خوبی از قرآن بهره برده‌اند و یکی از این موضوعات قرآنی که فرشتگان باشد و در قرآن به آن پرداخته شده‌اند، به خوبی دستمایه شعری قرار داده‌اند.

- هر چند وسعت عملکرد فرشتگان کل عالم خلقت را در بردارد، لیکن موضوعاتی که این دو شاعر به آن پرداخته‌اند بیشتر در خصوص انسان و مسائل پیرامونی آن است که این هم قابل تأمل است.

- بررسی بیشتر اشعاری که توسط این دو شاعر در خصوص فرشتگان سروده شده نشان از آن دارد که مقام و مرتبه انسان در جایگاه والاتری نسبت به فرشتگان که موجوداتی مقدس هستند، قرار دارد، به نحوی که اشرف مخلوقات بودن انسان به صورت مستتر را می‌توان از فحوای مضامین شعری این دو شاعر یافت.

- در شعر ایشان از برخی فعالیت‌های فرشتگان بهره گرفته شده است؛ همچون: سجده بر آدم، پیام‌رسانی، حمایت و نگهداری، سنگ اندازی و... .

### پی‌نوشت:

۱- إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره-۳۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش

این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.».

۲- نک: آیات ۳۱ و ۳۲ سوره مبارکه بقره.

۳- قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (بقره-۳۳).

فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟ و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان میداشتید!»

۴- وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... (بقره-۳۰).

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده ای] قرار خواهم داد.».

۵- وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره-۳۱).

سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گوئید، اسامی اینها را به من خبر دهید!»

۶- قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (بقره-۳۲).

فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی».

۷- برای آگاهی بیشتر ر. ک: به کتاب علم الیقین (ج ۱)، اثر مولی محسن فیض کاشانی، ص ۳۳۹ تا ص ۴۲۳.

#### منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات موعود اسلام، چاپ نهم.
- آلن، گراهام (۱۳۹۷)، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- احمدی، جمال (۱۳۹۹)، بررسی دیدگاه های عرفانی احمد خانی در منظومه «مَم و زین» در باب عشق، فصلنامه علمی عرفان اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۱۹۳-۲۱۲.
- استعلامی، محمد (۱۳۹۴)، درس حافظ، جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات سخن، چاپ ششم.

- الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۹۰)، در صحبت قرآن، تهران: انتشارات سخن.
- جزایری، سید نعمت‌الله (۱۳۹۶)، **قصه‌های قرآن و انبیاء**، قم: انتشارات کتاب جمکران، چاپ پنجم.
- جمشیدیان، همایون (۱۳۹۳) **تحلیل غزلی از مولوی بر مبنای رویکرد بینامتنی به قرآن**، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۷-۴۳.
- حافظ شیرازی (۱۳۹۰)، **دیوان حافظ**، به تصحیح قزوینی، محمد و غنی، قاسم، تهران: انتشارات زوار، چاپ دهم.
- خزعلی، مرضیه (۱۳۸۷)، **بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی**، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۱۰۵-۱۳۶.
- خمینی (۱۳۹۳)، **دیوان امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ششم.
- فیض‌کاشانی، مولی‌محسن (۱۳۸۵)، **علم‌الیقین**، جلد ۱، ترجمه حسین استادولی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ دوم.
- قاضی‌زاهدی‌گلپایگانی، علی‌آقا (۱۳۴۸)، **قصص یا داستان‌های شگفت انگیز قرآن مجید**، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۷)، **تفسیر نور**، جلد ۱ و ۱۰، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سیزدهم.
- ماحوزی، زهرا؛ قبادی، حسینعلی؛ پاکتچی، احمد و حسینی، مریم (۱۳۹۷)، **نقد انگاره بی‌بهرگی فرشته از عشق در شعر حافظ**، دو فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۳-۱۶۳.
- مصطفی‌شاکر، کمال (۱۳۹۸)، **خلاصه تفسیرالمیزان**، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران: انتشارات اسلام، چاپ نهم.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۹)، **تفسیر بیان**، جلد ۶، تهران: انتشارات بنیاد قرآن.
- موسوی، سیدحسین؛ اردلانی، شمس‌الحاجیه و حمیدی، سیدجعفر، **بررسی تمثیلی عناصر و داستان‌ها در شعر امام‌خمینی (ره) با تکیه بر بینامتنیت قرآنی**، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۴۸، تابستان ۱۴۰۰، صص ۷۳-۹۸.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۴)، **درآمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کاربردها)**، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، **بینامتنیت** (از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم)، تهران: انتشارات سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، **ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها**، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.
- نجم‌الدین رازی (۱۳۷۵)، **مرصادالعباد** به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات علمی، چاپ نهم.
- **نرم‌افزار قرآنی المبین** ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

## References

۱. **Holy Quran.**
۲. **Nahj-al Balagha**(۲۷۷۷)، Translated by Mohammad Dashti, Qom: Mow'ud-e Eslam publication, Ninth edition.
۳. Allen, Graham (۲۸۸۸)، **Intertextuality**, Translated by Payam Yazdanjoo, Tehran: Markaz publication, Sixth edition.
۴. Ahmadi, Jamal (۲۰۲۰)، **yyyy ff hh ddd aaa ssss s ylllll wwwsw nn eee eee m "aa m ddd Zyy"** nn ,,,, Scientific quarterly journal of Islamic myaticism, Volume ۷۷, No. ۶۶, Pages ۳۳۳-۲۱۲.
۵. Estelami, Mohammad (۲۵۵۵)، **Lesson of Hafez**, Volume ۱&۲, Tehran: Sokhan Publication, Sixth edition.
۶. Elahi-e Qomshei, Hossain (۲۱۱۱)، **Dar Sohbat-e Quran**. Tehran: Sokhan publication.
۷. Jazayeri, Sayyed Nematollah (۲۷۷۷)، **Tales of Quran and Prophets**, Qom: Jamkaran Publication, Fifth edition.
۸. Jamshidian, Homayoun (۲۴۴۴)، **nnn yyyyyyyff sssssss sstttt with a Quranic intertextual perspective"**, Literary-qur'anic Researches Quarterly, Volume ۲, No. ۲, Pages ۲۷-۳۳.
۹. Hafez of Shiraz (۲۱۱۱)، **Divan-e Hafez**, Edited by Qazvini, Mohammad & Ghani, Ghasem, Tehran: Zovar publication, Tenth edition.

۱۰. Khazali, Marzieh (۲۹۹۹), **Study on nature of Angels from the perspective of divine religions**, Scientific-research quarterly journal of modern theological ideology, Volume ۴, No. ۱۲, Pages ۵۵۵-۶۶۶.
۱۱. Khomeyni (۲۴۴۴), **Divan-e Emam**, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, Sixtieth edition.
۱۲. Fayz Kashani, Mulla Mohsen (۲۶۶۶), **Ilm al-yaqin**, Volume ۱, Translated by Hossein Ostadvali, Tehran: Hekmat publication, Second edition.
۱۳. Qazi Zahedi-e-Golpaygani, Ali Aqa, (۹۹۹۹), **Tales or Incredible Stories of Holy Quran**, Tehran: Eslamyeh, Second edition.
۴۴. Qera'ati, Mohsen (۲۸۸۸), **Tafsir-e Noor**, Volume ۱ & ۱۰, Tehran: Cultural center of Quran lessons, Thirteenth edition.
۵۵. Mahouzi, Zahra; Ghobadi, Hossein-Ali; Pakatchi, Ahmad & Hoseini, Maryam (۲۸۸۸), "**Criticism on the Theme of Angels' Deprivation of Love in Hafez Poetry**", The Journal of Mystical Literature of Al-Zahra University, Volume ۱۰, No. ۸۸, January ۲۸۸۸, , Pages ۳۳۳-۳۳۳.
۶۶. Mostafashaker, Kamal (۲۹۹۹), **Summery of Tafsir-e Al-Mizan**, Translated by Fatemeh Mashayekh, Tehran: Eslam publication, Ninth edition.
۷۷. Mansoori-e-Larijani, Esmaeil (۲۰۲۰), **Tafsir-e Bayan**, Volume ۶, Tehran: Bonyad-e Quran publication.
۸۸. Mousavi, Sayyed Hossein; Ardalani, Shamsolhajieh & Hamidi, Sayyed Jafar, "**Allegorical analyses of elements and stories in aaa m Koomiiii ss eee m yyyggg nn tee yyyy nnnnnnnn intertextuality** ", Journal of research Allegory in Persian Language and Literature, Volume ۳۳, No. ۸۸, Pages ۳۳-۸۸.
۹۹. Namvar-e Motlaq, Bahman (۲۶۶۶), **Introduction to Intertextuality**, Tehran: Sokhan Publication, Second edition.
۲۰. Namvar-e Motlaq, Bahman (۲۷۷۷), **Intertextuality** (From Structuralism to Postmodernism), Tehran: Sokhan Publication.

۲۱. Namvar-e Motlaq, Bahman (۲۸۸۸) "**Transtextuality Study of Relations Between a Text and Other Texts**", Journal of Human Sciences, No. ۶۶, Pages ۳۳-۸۸.
۲۲. Najm Al-Din Razi (۷۷۷۷), **Mersad Al-Ebad**, edited by Mohammad Amin Riyahi, Tehran: Elmi Farhangi Publishing Company, Ninth edition.
۲۳. **Al-Mobin Quranic software**, translation of Ayatollah Makarem Shirazi.

## **Presence of Angels in Poem of Hafez and Imam Khomeini with the Approach of Quranic Intertextuality**

**Seyed Hossein Mousavi**

PhD student of Persian language and literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

**Shams Alhajiya Ardalan**

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bushehr (Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran (corresponding author

**Seyyed Jafar Hamidi**

Professor of Persian language and literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

### **Abstract**

Angels are inconspicuous beings that god created them to serve through his orders. On the other hand, it is intertextuality which is the method of text convergence, based on impressionability from previous texts and the influence on later texts. The current research is qualitative research with the descriptive-analytical method based on library resources and with the aim of investigating the role of angels in the poetry of Hafez of Shiraz and Imam Khomeini, it has been compiled based on Quranic intertextuality. Both Hafez and Imam Khomeini had mystical tendencies and regarding the fact that they had complete familiarity with the word of God, therefore the dominant theme of their poems is based on mysticism. Angels as executors of God's orders, which mostly have a formative identity, are well considered by Hafez and Imam Khomeini.

They pointed to a wide range of angel's activities; both aspects of mercy and wrath and also in between which depend on reaction to human behavior, were regarded.

Keywords: Quran, Angel, Intertextuality, Hafez, Imam Khomeini.

